خلاصه کتاب

هنر جنگ

نویسنده: استیون پرسفیلد

خلاصه شده توسط: رضا زارعی

تهیه شده توسط تیم آموزشی رابینز

حرفه‌ای به صنعت خود احترام می‌گذارد .او خود را وقف تسلط بر تکنیک می‌کند، نه به‌عنوان جایگزینی برای الهام، بلکه به این دلیل که می‌خواهد هنگام ظهور الهام، زرادخانه کاملی از مهارت‌ها را در اختیار داشته باشد.

۱۳ .شکست را شخصی نمی‌گیرد:(Does Not Take Failure (or Success) Personally)

پوست کلفت بودن حرفه‌ای به این معنا نیست که او بی‌احساس است، بلکه به این معناست که آگاهی حرفه‌ای خود را در مکانی غیر از "من" شخصی‌اش مستقر کرده است .حرفه‌ای نمی‌تواند طرد شدن را شخصی بگیرد، زیرا این کار مقاومت را تقویت می‌کند.

۱۴ .خود را تأیید می‌کند:(Self-Validates)

آماتور اجازه می‌دهد تا عقاید منفی دیگران او را از پا درآورد .حرفه‌ای خود را آموزش می‌دهد تا از عملکرد خود فاصله بگیرد، حتی در حالی که با تمام وجودش به آن متعهد است .او منبع تأیید خود را در درون خود می‌یابد.

۱۵ .خود را دوباره می‌آفریند:(Reinvents Himself)

حرفه‌ای خود را محدود به یک تجسم، هرچند راحت یا موفق، نمی‌کند .او در خدمت الهه هنر است و ممکن است در طول زندگی‌اش بیش از یک شغل برای او داشته باشد.

بخش سوم: فراتر از مقاومت، قلمرو بالاتر(Beyond Resistance: Higher Realm)

بخش سوم، به نیروهای نامرئی روان‌شناختی می‌پردازد که از ما در مسیر خودشکوفایی حمایت می‌کنند . پرسفیلد، با وجود اینکه در ابتدا بر عمل‌گرایی حرفه‌ای‌گری تأکید کرده، اکنون خواننده را به قلمرو "الهه هنر (Muse) "و "فرشتگان (Angels) "دعوت می‌کند .او می‌گوید این نیروها می‌توانند مانند جاذبه، غیرشخصی یا مانند نبوغ درونی، شخصی تصور شوند، اما نکته مهم این است که آن‌ها متحدان ما هستند.

جادوی کار و الهام

پرسفیلد تأکید می‌کند که مهم‌ترین چیز در مورد هنر، کار کردن است .چرا اینقدر مهم است؟ چون وقتی روز به روز می‌نشینیم و کار می‌کنیم، یک فرآیند مرموز به حرکت در می‌آید که به‌طور گریزناپذیر و بی‌خطا، آسمان به کمک ما می‌آید.

این راز دیگری است که هنرمندان واقعی می‌دانند :

وقتی می‌نشینیم و کار می‌کنیم، قدرت در اطراف ما متمرکز می‌شود .الهه هنر متوجه تعهد ما می‌شود و ما مورد لطف او قرار می‌گیریم .ما مانند یک میله مغناطیسی می‌شویم که براده‌های آهن را جذب می‌کند .ایده‌ها و بینش‌ها روی هم انباشته می‌شوند .درست همان‌طور که مقاومت جایگاهش در جهنم است، آفرینش هم خانه خود را در بهشت دارد.

احضار الهه هنر(Invoking the Muse)

پرسفیلد به عادت خود در نیایش برای الهه هنر قبل از شروع کار اشاره می‌کند و این سنت را به فرمانده سواره نظام یونانی، زنوفون، پیوند می‌زند که وظیفه اول فرمانده را قربانی کردن برای خدایان و طلب یاری از آن‌ها می‌داند.او با بیان تجربه شخصی خود در آن سال‌های سخت که علی‌رغم شکست‌های پیاپی، سرانجام موفق به نوشتن "پایان "شد، اهمیت این نیایش و کار روزانه را نشان می‌دهد .او از دوستش، پل رینک، آموخت که موزها(Muses) ، نُه خواهر و دختران زئوس و امنموزینه (حافظه) هستند که وظیفه‌شان الهام بخشیدن به هنرمندان است .احضار الهه هنر، نشان دادن فروتنی در برابر قدرت‌های نادیده‌ای است که می‌توانند خالق ما باشند.

جادوی شروع کردن و ادامه دادن

نقل قولی از دبلیو. اچ .موری در مورد "سحر شروع کردن"، بر اهمیت اقدام اولیه تأکید می‌کند" :در مورد تمام اعمال ابتکار (و آفرینش) یک حقیقت ابتدایی وجود دارد که نادانی نسبت به آن، بی‌شمار ایده و برنامه شگفت‌انگیز را از بین می‌برد: لحظه‌ای که فرد قاطعانه خود را متعهد می‌کند، آنگاه مشیت نیز به حرکت در می‌آید."

پرسفیلد معتقد است که فرشتگان یا موزها، منتظرند تا ما قدم اول را برداریم .وقتی شروع می‌کنیم و در مواجهه با ترس‌هایمان به یک کار متعهد می‌شویم،

شکافی در پرده ظاهر می‌شود .فرشتگان کمک‌رسان جمع می‌شوند تا به ما در "به دنیا آوردن خودمان " یاری رسانند؛ همان شخصی که مقدر شده بود باشیم .با شروع کار، ما از سر راه خود کنار می‌رویم و به فرشتگان اجازه می‌دهیم که کار خود را انجام دهند.

علاوه بر شروع کردن، جادوی ادامه دادن نیز اهمیت دارد .فرآیند بازنگری و خوداصلاحی که به‌طور ناخودآگاه در ذهنمان اتفاق می‌افتد، یک معجزه است .یک "هوشمندی "مستقل از ذهن آگاه ما، اما در اتحاد با آن، مشغول پردازش و سازماندهی مواد ماست .این همان دلیلی است که هنرمندان اغلب متواضع هستند؛ آن‌ها می‌دانند که کار را انجام نمی‌دهند، بلکه فقط دیکته می‌گیرند .این هوشمندی، که آن را موز یا ناخودآگاه می‌نامیم، به‌طور مداوم ما را راهنمایی می‌کند و می‌خواهد که ما تکامل پیدا کنیم.

خود (Self) در برابر خودپرستی(Ego)

تام لافلین، روان‌شناس یونگی که با بیماران سرطانی کار می‌کند، مدلی از روان ارائه می‌دهد که در آن،

ایگو (Ego) همان بخشی است که ما آن را "من "می‌دانیم (هوش آگاه روزمره) و سِلف (Self) یک موجودیت بزرگ‌تر است که شامل ایگو، ناخودآگاه شخصی و جمعی است و قلمرو روح ماست.

ایگو به وجود مادی، مرگ، زمان و مکان اعتقاد دارد و با ترس زندگی می‌کند .اما سِلف معتقد است که مرگ و زمان توهم هستند، همه موجودات یکی هستند و عاطفه عالی عشق است؛ سلف با خداوند متحد است.

پرسفیلد نظریه خود را بر این پایه می‌گذارد که :

فرشتگان در سِلف خانه دارند، در حالی که مقاومت جایگاهش در ایگو است .

سِلف خواهان آفرینش و تکامل است، اما ایگو وضع موجود را دوست دارد .غریزه کشیده شدن به‌سوی هنر، میل به تکامل و ارتقای آگاهی ماست .ایگو از این متنفر است، چون هرچه آگاه‌تر شویم، کمتر به ایگو نیاز خواهیم داشت .ایگو با ایجاد مقاومت به این بیداری حمله می‌کند.

بزرگ‌ترین ترس، ترس از موفق شدن است .این ترس از دسترسی به آن قدرت‌هایی است که پنهانی می‌دانیم در اختیار داریم، و تبدیل شدن به آن شخصی که در قلب خود حس می‌کنیم واقعاً هستیم .